ای عمر، بدرستی که شیطان از تو می ترسد. من نشسته بودم و او دف می زد، ابوبکر آمد و او دف می زد، علی وارد شد و او دف می زد، عثمان وارد شد و او همچنان دف می زد، اما زمانی که تو آمدی دف را رها کرد.

از بریده رضی الله عنه روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم برای یکی از غزوات خارج شد، وقتی بازگشت زنی سیاه آمد و به ایشان گفت: من نذر کرده ام اگر الله شما را به سلامت بازگرداند پیشاپیش شما دف بزنم و بخوانم. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمود: «إنْ كنتِ نَذَرْتِ فاضرِبي، وإلَّا فلا»: «اگر نذر کرده ای، بزن وگرنه، این کار را انجام مده». و به این ترتیب شروع به نواختن کرد تا اینکه ابوبکر داخل شد و آن زن همچنان مشغول دف زدن بود، سپس علی وارد شد و آن زن همچنان مشغول دف زدن بود و عثمان وارد شد و او دف می زد، سپس عمر وارد شد و با ورود ایشان، دف را در زیر خود گذاشت و بر آن نشست. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَخَافُ مِنْكَ يَا عُمَرُ، إِنِّى كُنْتُ جَالِسًا وَهِىَ تَضْرِبُ، فَدَخَلَ أَبُو بَكْرٍ وَهِىَ تَضْرِبُ، ثُمَّ دَخَلَ عَلِىٌّ وَهِىَ تَضْرِبُ، ثُمَّ دَخَلَ عُثْمَانُ وَهِىَ تَضْرِبُ، فَلَمَّا دَخَلْتَ أَنْتَ يَا عُمَرُ أَلْقَتِ الدُّفَّ»: «ای عمر، بدرستی که شیطان از تو می ترسد. من نشسته بودم و او دف می زد، ابوبکر آمد و او دف می زد، علی وارد شد و او دف می زد، عثمان وارد شد و او همچنان دف می زد، اما زمانی که تو آمدی دف را رها کرد».

[صحیح است] [به روایت ترمذی - به روایت احمد]

وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم سالم و پیروز از غزوه ای بازمی گردد، زن سیاه پوستی نزد ایشان آمده و می گوید: یا رسول الله، من نذر کرده ام اگر الله شما را از این جنگ سالم و پیروز بازگرداند، در حضور شما دف بزنم و بخوانم. و رسول الله صلی الله علیه وسلم به او می فرماید: «اگر نذر کرده ای به نذرت وفا کن، اما اگر چنین نیست، این کار را انجام مده». پس زن مذکور شروع به دف زدن می کند؛ ابو بکر وارد می شود و او دف می زند، علی وارد می شود و او دف می زند، سپس عثمان وارد می شود و او همچنان دف می زند، اما چون عمر وارد می شود از هیبت و ترس عمر دف را زیر خود نهاده و بر روی آن می نشیند، تا اینکه عمر آن را نبیند. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «ای عمر، بدرستی که شیطان از تو می ترسد. من نشسته بودم و او دف می زد، ابوبکر آمد و او دف می زد، علی وارد شد و او دف می زد، عثمان وارد شد و او همچنان دف می زد، اما زمانی که تو آمدی دف را رها کرد و بر آن نشست». علما اجماع دارند که موسیقی حرام است و دلایل بسیاری بر این امر وجود دارد. البته دف زدن برای زنان در مناسبت هایی همچون عروسی و اعیاد از آن استثنا شده است، چنانکه در این حدیث به مناسبت قدوم فرد غایب و عزیز دف زده شد.

http://sunnah.global/hadeeth/fa/show/10564